

نسبت توسعه و حفاظت در شهر بازخوانی مدل توسعه شهر یزد از منظر تعامل میان رویکردهای توسعه و حفاظت از بخش‌های قدیم در بازه زمانی قرن ۵ تا ۱۳ هجری

سمیرا عادل^{۱*}، محسن عباسی هررفته^۲

^۱ عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

^۲ استادیار مجتمع هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۵/۱۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۷/۱۹)

چکیده

نسبت توسعه و حفاظت، از موضوعات چالش برانگیز در ادبیات شهرسازی به شمار می‌رود. از زمان شکل‌گیری نظریات و تئوری‌های مرمت و توسعه شهری، رویکردهای متفاوتی در راستای پاسخگویی به این چالش، پدید آمده است. برخی، اقدامات حفاظتی را مانعی در مسیر پیشرفت و توسعه تلقی کرده و عده‌ای، توسعه را مانعی در مسیر حفاظت از سرمایه‌های انسانی می‌دانند. در مقاله حاضر، مدل توسعه شهر تاریخی یزد با تجربه حیاتی چند صد ساله، در بازه زمانی قرن ۵ تا ۱۳ ه.، با استناد بر روش تحقیق توصیفی-تاریخی و استدلال منطقی مورد مطالعه قرار گرفته است. بازخوانی این مدل موفق توسعه از منظر چگونگی تعامل رویکردهای توسعه و مؤلفه‌های حفاظتی، می‌تواند راهکاری کاربردی را در پاسخ به چالش موجود ارائه دهد. بررسی مشخصات این مدل توسعه - توسعه حفاظت محور-، بیانگر اهمیت تعامل پویا میان رویکردهای توسعه و حفاظت و توجه به بخش‌های موجود در راستای حفظ تداوم حیات شهری است؛ این مدل از توسعه، در قالب اقدامات زایشی (نوسازی) و تکمیلی (بازسازی، بهسازی و نوسازی)، نه تنها زمینه‌ساز رشد کمی شهر بوده، بلکه ارتقای کیفی بخش‌های موجود شهری را نیز با اولویت دادن به اقدامات حفاظتی موجب شده است.

واژه‌های کلیدی

توسعه، حفاظت، شهر، توسعه حفاظت محور، شهر تاریخی یزد.

*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۳۳۴۱۲۹۱۴، نمابر: ۰۳۵-۳۸۲۶۱۹۲۹، E-mail: sa.adeli@uk.ac.ir

مقدمه

در این مقاله، قصد آن است که از منظر نحوه مواجهه با بخش‌های موجود در هر مرحله از توسعه شهر در بازه مذکور، مشخصات و مختصات این مدل توسعه به عنوان مدلی بومی، تجربه شده و موفق که به حفاظت از بخش‌های قدیمی در عین توسعه شهر منجر شده، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. لذا این مقاله به طرح این سؤال می‌پردازد که چگونه شهر یزد توانسته در عین توسعه، با حفاظت از بخش‌های موجود خود، یک تداوم تاریخی را موجب شود؟ و چه سازوکار و نسبتی میان توسعه و حفاظت در این شهر در بازه زمانی مورد نظر برقرار بوده است؟ نظر به این سؤالات، مقاله هدف‌گذاری شده است تا با نیل به اهداف مطالعه و بازخوانی مدل توسعه شهر یزد از منظر رابطه میان توسعه شهر و حفاظت از بخش‌های قدیم، (ب) شناخت و تبیین نسبت میان حفاظت بخش‌های قدیم و توسعه بخش‌های جدید، (ج) استخراج و تبیین رویکرد غالب توسعه شهر در بازه زمانی مورد نظر، پاسخی برای سؤالات خود پیدا کند. اهدافی که می‌توانند افق مقاله را در آینده که همان حل چالش میان توسعه و حفاظت در شهرهای تاریخی است، محقق سازند.

این مقاله بخشی از روند توسعه شهر یزد در گذشته را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در مرحله اول که هدف آن استخراج کم و کیف توسعه شهر یزد در آن دوره می‌باشد، از روش تحقیق توصیفی-تاریخی استفاده شده است. در این روش، از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تاریخی استفاده شده است. در مرحله بعد که بر پایه اطلاعات گردآوری شده، به تحلیل و تجزیه روند توسعه شهر و تبیین ویژگی‌ها و مشخصات این گونه از توسعه و ارتباط آن با حفاظت از بخش‌های موجود پرداخته خواهد شد، از روش استدلال منطقی بهره گرفته شده است.

شهر به مثابه یک موجود زنده، همواره در حال توسعه است (Monsma, 1979, 21; Lynch, 1987, 88-89). بدین معنا که براساس تعریف ارائه شده برای مفهوم توسعه، مانند هراگانیزم دیگری، در حال رشد کمی و کیفی است، (Mesarovic & Pestel, 1975, 13-12)، رشدی که موجبات تقویت و حرکت تکاملی آن را موجب می‌شود (Mesarovic & Pestel, 1975, 7-9). در روند این توسعه، بخش‌های جدید به شهر اضافه می‌شوند و بخش‌های قدیم تغییراتی را در خود می‌بینند. نحوه مواجهه و برخورد شهر با بخش موجود، جایگاه این بخش در منظومه شهر جدید و رابطه میان بخش مذکور با قسمت اضافه شده از منظر دانش حفاظت، به عنوان جریانی که به تداوم حیات بنا کمک خواهد کرد، واجد اهمیت بسزاست؛ موضوعی که امروزه چالش‌های فراوانی را در شهرهای تاریخی ایجاد نموده (Thaitakoo, 2006, 16-17) و ضرورت پرداختن بدان، همواره مورد تأکید قرار گرفته است.

برخلاف تفکر رایج که توسعه را مانعی در جهت حفاظت از بخش‌های موجود و قدیمی تلقی می‌نماید، تجربه چند صد سال تداوم شهرهای سنتی ایران، حکایت از آن دارد که می‌توان مدلی موفق از تعامل میان توسعه و حفاظت در شهر را شاهد بود. بنابراین بازخوانی مدل توسعه در این شهرها، نظر به تأکید استفاده از مدل‌ها و شیوه‌های بومی در حفاظت آثار تاریخی (Icomos, 1999)، می‌تواند راهکارهای کاربردی را در زمینه پاسخ به چالش‌های موجود به همراه داشته باشد. شهر تاریخی یزد در بازه زمانی قرون ۵ تا ۱۳ هجری، ۶ مرحله توسعه را تجربه می‌کند که در همه آنها، توجه و تعامل با بخش‌های موجود (متعلق به دوره‌های قبل) قابل تأمل است. تعاملی که محصول آن، تداوم یک شهر در طول زمان و شکل‌گیری شهر تاریخی یزد است.

پیشینه پژوهش

حفاظت از ثروت‌های فرهنگی در قرن‌های گذشته (دوران پیش از آغاز جنبش مدرن)، همچون فرآیند طبیعی رشد و توسعه شهری، همواره به مثابه امری آیینی و تداومی مورد عمل بوده است، لیکن از اواسط قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی، با شکل‌گیری تئوری‌ها و نظریات مرمت و توسعه شهری، این امر شکل تازه‌ای به خود گرفت و رویکردها و سبک‌های جدیدی در مواجهه با آن پدیدار شد (صحی زاده و ایزدی، ۱۳۸۳). امروزه رابطه میان حفاظت و توسعه در ادبیات شهرسازی، از جمله چالش‌های مهمی به‌شمار می‌آید که پژوهش‌های بی‌شماری را به خود اختصاص داده است. بسیاری از این بررسی‌ها، این رابطه را تحت تأثیر عوامل بی‌شماری در نظامی پیچیده تصور می‌کنند (Gittel, 1992; Zancheti, 2005, 16)، لیکن در یک نگاه کلان، رابطه میان حفاظت و توسعه، دو تفکر اصلی را نمایندگی

کرده است. یک دیدگاه برناهماهنگی و تعارض میان حفاظت و توسعه شهری بنا شده است که در دو عرصه مبانی فکری و کاربردی، نظریات متفاوتی را شامل می‌شود. دیدگاه دیگر به تعامل میان دو مقوله ذکر شده تأکید دارد و رویکرد‌ها و نگرش‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. بر این اساس برخی از اندیشمندان، نظریه پردازان و کارشناسان، به چالش و بعضاً تعارض میان رویکردهای حفاظتی و الزامات توسعه شهری در عرصه مبانی اندیشه و واقعیت موجود اشاره کرده‌اند (Cantell, 1975; Mynors, 1984; Kocabas, 2006; Bjqnness, 1992; Nasser, 2003; Kishan Datta, 2011). در چنین دیدگاهی، تعامل میان حفاظت و توسعه، بی‌ثمر و با دیده انکار نگریده می‌شود. یک دیدگاه، حفاظت را مانعی در مسیر فرآیند توسعه شهری مطرح می‌سازد و باور دیگر، ضمن ارجح دانستن نگرش

وجود دارد (Thaitakoo, 2006; Drummond and Swain, 1996; Larkham, 1996; Pickard, 1996; Antonio, 1995). توسعه شتاب زده و لجام‌گسیخته نیز تهدیدی مضاعف برای کیفیت و شخصیت منحصر به فرد بخش‌های قدیمی شهر به شمار می‌آید، رویکردی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه مبتلا به آن هستند (Thaitakoo, 2006; Hobson, 2003). همچنین ابعاد اقتصادی توسعه، بر چگونگی ارزش‌گذاری طرح‌ها و برنامه‌های حفاظت، تأثیرگذار می‌باشد و در بسیاری موارد، رویکردهای حفاظت بر اساس ارزش‌های اقتصادی‌شان، در فرآیند توسعه شهری ارزیابی می‌شوند (Hobson, 2003). بر این اساس، برخی از اندیشمندان، بر لزوم پرهیز از بهره‌کشی اقتصادی از بافت‌های قدیمی در روند توسعه شهری هشدار داده‌اند (Appleyard, 1979; Larkham, 1999; Cohen, 1999). بررسی‌ها بیانگر آن است که آسیب‌ها و تخریب‌هایی که نواحی قدیمی در بسیاری از شهرها به ویژه شهرهای تاریخی مبتلا به آن هستند، متأثر از برنامه‌ریزی‌های نادرست توسعه شهری بواسطه غفلت از برنامه‌های حفاظتی می‌باشد (Manna, 1948; Perumalage, 1948). در این راستا این اعتقاد وجود دارد که نوسازی‌های جدید و ناهماهنگ با بافت قدیم شهر، هویت آن را نیز دستخوش تغییرات بنیادین کرده است (Lih, 2005).

علی‌رغم دیدگاه‌هایی که تعارض و چالش میان حفاظت و توسعه را محور بحث‌های خود قرار داده‌اند، تلاش به منظور برقراری تعامل میان حفاظت و توسعه، از موضوعات مهم و اساسی است که عمری به درازای تاریخ برنامه‌ریزی و طراحی مدرن دارد (Kocabas, 2006; Dix, 1990). برخی متفکرین و پژوهشگران بعضاً با تأیید چنین چالشی در واقعیت موجود، بر لزوم تعامل میان حفاظت و توسعه تأکید کرده‌اند (Hobson, 2003, 16) و آن را عاملی مهم در روند حیات شهری برشمرده‌اند (Dix, 1990; Detr, 2000b, 41). بسیاری از مطالعات صورت گرفته، توجه و همراهی برنامه‌های توسعه شهری با حفاظت را ضروری دانسته و حفاظت از منابع و سرمایه‌های شهری را لازمه و زمینه‌ساز توسعه مطرح کرده‌اند (Lichfield, 1988, 29). بر طبق نظریات کهن، حفاظت شهری به انسجام، همخوانی و نگاه جامع‌گرا در برنامه‌ریزی‌های شهری منجر شده و تعامل پایدار میان توسعه شهر و نواحی قدیمی آن را موجب می‌شود (Cohen, 2001). همچنین توجه به حفاظت شهری با هدف حفظ نسج شهری و کیفیات منحصربه‌فرد نواحی تاریخی و قدیمی، در فرآیند توسعه شهری مورد تأکید قرار گرفته است (Steinberg, 1996; Lih, 2005). شماری از پژوهش‌ها به بررسی جایگاه حفاظت شهری در توسعه اقتصادی شهر پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به (Lichfield, 1988; Ashworth and Larkham, 1992b; Ebbe, 2009; Bjornness, 1994) اشاره داشت. ابعاد گردشگری حفاظت شهری و تأثیر آن در توسعه شهر نیز مورد تأیید برخی پژوهش‌ها بوده است (Yusof et al, 2007; Yuen, 2001). همچنین توجه به ابعاد و مقتضیات توسعه شهری در تدوین سیاست‌ها و رویکردهای حفاظتی و انعطاف‌پذیری و پویایی برنامه‌های حفاظتی در ربط با فرآیند توسعه شهری نیز ضروری به شمار آمده است (Yusof et al, 2007; Martokusumo, 2007).

حفاظتی، توسعه و الزامات آن را تحدید کننده رویکردهای حفاظت می‌داند. با استناد به دیدگاه نخست، گرایش و توجه به گذشته در مسیر توسعه شهر معاصر، چندان مؤثر نبوده بلکه نشانه تنزل و زوال ملی و کاهش اعتماد به نفس در آینده مطرح شده است (Hewison, 1987). از نقطه نظر کمیل، چشم انداز گذشته نمی‌تواند راهکاری آموزنده برای جامعه کنونی باشد (Campbell, 1996). والتیر گروپیوس نیز با اعلام مرگ ریخت‌شناسی سبک مرده و حمایت از گرایش گسست از گذشته، آن را اقدامی در جهت کشف جنبه‌های تازه (از معماری) معرفی کرده است (تیزدل و دیگران، ۱۹۹۶، ۴۷). همچنین بنا بر تفکرات گسست، تنها ویژگی قابل اتکاء رفتار شهر در طول تاریخ، "غیرقابل پیش‌بینی بودن" شهر به عنوان یک موجودیت در حال تغییر، توسعه و تحول است (Kostof, 1992). بنابراین چنین دیدگاهی، رشد و توسعه شهر، فرآیندی است که از اراده و منطق نهانی و اسرارآمیز خود سرچشمه می‌گیرد. بر این اساس، گسست برای باور است که میان حفاظت و رشد و توسعه شهر، این توسعه است که حرف آخر را می‌زند و حفاظت از بافت شهری، انبیه و الگوهای عملکردی شهر، کاری عبث و بیهوده خواهد بود. همچنین با استناد بر مطالعات صورت گرفته، در واقعیت موجود نیز، شماری از مقررات، قوانین و محدودیت‌های حفاظتی، تأثیرات نامطلوبی را بر حقوق ساکنین محلی موجب شده است (Engelhardt, 1997; Phengtago, 1997; Watanabe, 1998). همچنین اصول و ضوابط حفاظتی، مانعی در جهت بهره‌مندی از فرصت‌های توسعه شهری تلقی می‌شوند (Pickard, 1998; Markham, 1998; Tiesdell, 1998). در برخی موارد نیز محدودیت‌های سرسختانه و متعصبانه حفاظتی، به گونه‌ای از حفاظت موزه‌ای منجر شده است (Lih, 2005). چنین رویکردی، در مقابل تغییر و تحولات طبیعی جامعه انعطاف‌پذیری از خود نشان نداده (حناچی، ۱۳۸۶، ۶) و جریان زندگی را به ویژه در مناطق قدیمی، به مخاطره انداخته است (Thaitakoo, 2006; Hobson, 2004). برخی از اندیشمندان نیز بر این باورند که امروزه حفاظت، از خواسته‌ها و اهداف اصلی و بنیادین خود دور مانده (Hobson, 2003) و به گونه‌ای افراطی و انحصاری عمل کرده است (Eversley, 1975). مگوایر معتقد است که امروزه رویکرد حفظ و نگهداری، دیدگاه‌های حفاظتی را احاطه کرده است (Maguire, 1998). از نقطه نظر هوسون، در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های حفاظتی، وجوه ظاهری نسبت به محتوا و مفاهیم درونی برتری یافته است (Hewison, 1987) و برخی از متفکرین و متخصصین، چنین رویکردی را مانعی در راستای تحقق شایسته توسعه شهر به شمار می‌آورند (Ascherson, 1987). به اعتقاد برخی نیز از منظر سیاسی، حفاظت، مانعی در راستای توسعه محسوب می‌شود (Hobson, 2003). بر این اساس، حفظ و ارائه گذشته می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت برهم‌زدن و مخدوش کردن فضای سیاسی جامعه از طریق ارائه تصویری از وحدت و نظم در دوره تغییرات سریع و مهم اجتماعی-سیاسی عمل کند (Wright, 1985; Mc Guigan, 1996). از سوی دیگر بنا بر دیدگاه دوم و استناد بر مطالعات صورت گرفته، دغدغه‌هایی در خصوص تهدید میراث و بخش‌های قدیمی شهر و یا اعمال محدودیت‌هایی در عرصه حفاظت با شروع فرآیند توسعه

با استناد برویکرد حفظ روح مکان (Melchor, 1995)، بررسی پیامدهای مثبت حفاظت شهری در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیطی در فرآیند توسعه شهری (Yusof et al, 2007)، بررسی رابطه توسعه اقتصادی شهر و رویکردهای حفاظت (Zancheti, 2005; Shipley, 2000; Scribner, 1976; Lichfield, 1988; Ashworth And Larkham, 1994; Ebbe, 2009; Bjqnness, 1992b; Warner Et Al, 1978)، ارائه گزارش‌هایی در نقد فرآیند توسعه شهری و بررسی موانع گوناگون در عملکرد صحیح طرح‌های حفاظتی در شهرهای انگلستان (Hobson, 2003)، بررسی تعارضات میان رویکردهای حفاظت و توسعه شهری (Bjqnness, 1992)، بحث در خصوص لزوم تعامل و تعادل میان کهنه و جدید و حفاظت و تغییر (Dix, 1990)؛ از جمله پژوهش‌هایی می‌باشد که در یک مطالعه تاریخی، رابطه میان رویکردهای حفاظت و توسعه شهری را در کشورمان مورد بررسی قرار داده (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶)، که ضمن طرح چالش میان حفاظت و توسعه، به بررسی تجارب مرمت شهری در ایران معاصر (از زمان مشروطه تا زمان حال) پرداخته و رویکردهای غالب حفاظت و توسعه را در این دوران بیان کرده است.

بنابراین آنچه ذکر شد، تعامل میان رویکردهای حفاظتی و توسعه در مسیر تداوم حیات شهری و ارائه راهکارهایی در این زمینه، موضوعی است که توجهات زیادی را در سال‌های اخیر به خود معطوف داشته است. هرچند که شمار غالب پژوهش‌های انجام شده، ضمن گردآوری شواهدی به تأیید رویکرد تعاملی پرداخته‌اند، و یا صرفاً به راهکارهای حفاظتی بسنده کرده‌اند و کمتر به ارائه راهکار در طرح مدل موفق توسعه در تعامل با رویکردهای حفاظتی توجه شده است. بنابراین به نظر می‌رسد پژوهش مذکور بتواند ضمن بررسی یک مدل موفق تاریخی توسعه شهری و بررسی جایگاه حفاظت در فرآیند توسعه، به ارتقای دیدگاه‌های رایج در این عرصه همت گمارد.

توسعه کالبدی شهر یزد حدفاصل قرون ۱۳ تا ۱۴هـ.

اگر چه منابع تاریخی، سابقه شهر یزد را به ادوار پیش از اسلام نسبت می‌دهند، اما تاکنون مدرکی دال بر این امر به دست نیامده است. آنچه از مستندات تاریخی و شواهد موجود برمی‌آید، شکل‌گیری شهری منسجم که امروزه به عنوان یک شهر تاریخی شناخته می‌شود، به دوره آل کاکویه (قرن ۵)، برمی‌گردد. تا قبل از آن، این شهر در طراز روستاهای اطراف خود چون میبد، عقدا و فهرج بوده است. از این دوره، یزد به مثابه یک کل منسجم، موجودیت شهری پیدا نموده و شروع به حیات در شخصیت و قامت یک شهر می‌نماید (میراث فرهنگی، ۱۳۸۵)؛ شهری که طی مراحل به تدریج تا اواخر قرن ۱۹ میلادی توسعه یافته و به شهر تاریخی امروز بدل گشته است.

بر اساس مستندات تاریخی، شهر یزد شش مرحله عمده توسعه در دوره‌های آل کاکویه، اتابکان، آل مظفر، تیموریان، صفویه و افشاریه و زندیه هر سه به عنوان یک دوره و قاجار را

به باور برخی، سیاست‌های حفاظتی می‌بایست در بستر توسعه شهری تدوین شوند (Bjqnness, 1992b). در منشور واشنگتن^۱، دستیابی به حفاظت پایدار منوط به اتخاذ رویکردی وحدت‌گرا در جهت پیوند با ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و کالبدی توسعه مطرح شده است. چنین تأکیدی بیانگر تبدیل حفاظت از مقوله‌ای صرفاً فنی و فیزیکی به موضوعی با ماهیت طراحی، برنامه‌ریزی با تخصص‌های چندرشته‌ای است. در منشور بورا، به حفاظت از مکان‌های با ارزش برای نسل‌های حال و آینده اشاره شده و از هیئتی هوشمندانه و محتاطانه در "تغییر" دفاع شده است. در حقیقت این منشور، شکلی از همسویی با توسعه شهری را مورد تأکید قرار داده است. چنین رویکردی در یادداشت وین^۲ نیز قابل پیگیری است. بر این اساس، طرح‌های توسعه حفاظت محور، جایگزینی مناسب برای رویکردهای نامناسب موجود مطرح شده است (Hobson, 2003, 6).

از دیدگاه برخی متخصصین، شهر مستلزم جریان دو مؤلفه تغییر و تداوم در آن می‌باشد؛ در چنین شرایطی، تعامل و تعادل میان دو مؤلفه مذکور برای جامعه‌ای که در آن سکونت دارد، ضروری خواهد بود (Lichfield, 1988; Fram, 1988; Antonio, 1995). حفاظت شهری به عنوان میانجی و واسطه‌ای در برابر تغییرات موجود با هدف فهم امروزی گذشته و توصیف‌کننده و معرفی‌کننده آینده، عمل می‌کند (Launce Garnham, 1985). بسیاری از محققین در دوران معاصر در تلاش به منظور بهره‌گیری از رویکردها و قابلیت‌های حفاظتی به عنوان معیار و شاخص‌هایی در تبیین ابعاد گوناگون توسعه شهری هستند. مطرح شدن حفاظت به عنوان یک راهبرد توسعه، از جمله موضوعاتی است که سابقه آن به قرن حاضر باز می‌گردد (Yusof et al, 2007, 44). در مطالعات مؤسسه حفاظت گتی^۳، حفاظت به عنوان راهکاری در جهت مدیریت تغییر و توسعه شناخته شده است. بدیهی است چنین رویکردی، چارچوب‌ها و اصول توسعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. محور مورد بحث در پژوهش‌های انجام شده در راستای تبیین تعامل میان رویکردهای حفاظتی و توسعه شهری، غالباً بر ارائه راهکارهای حفاظتی در ربط با فرآیند توسعه شهری متمرکز بوده است. توجه به بهسازی و معاصر سازی شهری و استفاده مجدد از ابنیه و ساختارهای موجود (Smith and Williams, 1986; Steinberg, 1996; Lih, 2005) و باززنده سازی مناطق قدیمی (Kishan Datta, 2011)، نمونه‌هایی از راهکارهای ارائه شده هستند. همچنین در خصوص دیگر پژوهش‌های مرتبط، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره داشت: مطالعه حدود ۱۵ شهر مختلف جهان و تشریح نقش و جایگاه تضعیف شده حفاظت و توان بخشی در فرآیند توسعه شهری معاصر و تأکید بر توجه به معاصر سازی و بهره‌برداری مجدد از ابنیه و مناطق قدیمی شهر (Steinberg, 1996). ارائه راهکارهایی جهت ایجاد تعادل میان رویکردهای حفاظتی و طرح‌های توسعه در یک مرکز شهر تاریخی (Thaitakoo, 2006)، بررسی تعامل میان حفاظت و توسعه در سه دهه اخیر در شهر استانبول ترکیه و تأکید بر ارتباط میان دو فرآیند ذکر شده در تداوم حیات شهری (Kocabas, 2006)، بررسی تعامل میان حفاظت و توسعه

ذکر شده، اقدامات صورت گرفته در حوزه نوسازی، در نقشه‌های شش‌گانه (ای) که مراحل مختلف توسعه شهر یزد را نمایش می‌دهند، با محوریت شکل‌گیری معابر و مراکز شهری جدید در هر دوره در ربط با بخش‌های موجود، برجسته شده است و هر نقشه شامل محدوده شارسرستان، ربض و ساختار شبکه معابر اصلی و مراکز شهری در یک دوره توسعه شهر یزد می‌باشد. به واسطه

پشت سر گذاشته است (میراث فرهنگی، ۱۳۸۵). این توسعه‌ها به دلیل افزایش رشد جمعیت و رونق شهر در دوره‌های مختلف البته با شدت و ضعف اتفاق می‌افتد. به منظور رعایت اختصار، اهم اتفاقاتی که در حوزه توسعه شهر یزد در این دوران قابل جمع‌بندی هستند و بطور مستند در منابع مکتوب از آنها یاد شده است، در قالب جدول ۱، ارائه شده است. در میان اقدامات

جدول ۱- مجموعه اقدامات مستند صورت گرفته در روند توسعه شهر تاریخی یزد در شش دوره مختلف توسعه از قرن ۵ تا ۱۳ هـ.

دوره تاریخی	نوع توسعه	اقدامات صورت گرفته	نوع اقدام	نتیجه اقدام	
آل کاکویه (قرن ۵ هـ)	توسعه در بیرون	• شکل‌گیری ۲ محله (کاتب، ۱۳۴۵)	نوسازی	گسترش	
		• احداث خندق، برج و بارو (جعفری، ۱۳۳۷، ۳۷-۳۵؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۶۱-۶۰)	نوسازی	تحول-معاصر سازی	
		• ساخت ۴ دروازه (جعفری، ۱۳۳۷، ۳۷-۳۵؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۶۱-۶۰)	نوسازی	تحول-معاصر سازی	
		• احداث شبکه جدید معابر در پیرامون شهر (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۴)	نوسازی	تحول-معاصر سازی	
		• ساخت ابنیه عمومی (مسجد، مدرسه و بازار) (کاتب، ۱۳۴۵؛ میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۰)	نوسازی	گسترش	
		• توسعه باغات و مزارع (کاتب، ۱۳۴۵، ۶۱-۶۰)	نوسازی	گسترش	
		• توسعه محوری (به سمت جنوب و جنوب غرب) (طرح جامع یزد، ۱۳۸۲، ۲۸-۲۷)			
		• توسعه در بیرون همراه با تخریب باغات و نوسازی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۰)	بازسازی	گسترش	
		• ساخت بازار در مجاورت مسجد جامع و تقویت محور شمالی-جنوبی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۶)	نوسازی	تکمیل-تقویت کارکرد، متراکم سازی	
		توسعه در درون	توسعه در درون	• تعمیر	بهبودی
• تکمیل و توسعه مسجد جامع و سایر ابنیه (کاتب، ۱۳۴۵، ۶۲، ۱۱۴؛ جعفری ۱۳۳۸، ۱۱۱)	نوسازی			تکمیل-تقویت کارکرد	
• ساخت ابنیه عمومی پیرامون مسجد (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۰؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۱۱۴)	نوسازی			تکمیل	
• مرمت	بهبودی			تثبیت کارکرد	
• نوسازی بخش‌های فرسوده (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۰)	نوسازی			تکمیل-تقویت کارکرد	
• ساخت و سازهای ابنیه مسکونی و عمومی در شهر (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۰)	نوسازی			تکمیل-متراکم سازی	
• گسترش زیرساخت‌های شهری (قنات) (جعفری، ۱۳۴۳، ۳۶)	نوسازی			تکمیل-تقویت کارکرد	
• شکل‌گیری ۴ محله (کاتب، ۱۳۴۵، ۶۹)	نوسازی			گسترش	
اتابکان	توسعه در بیرون	• پیوستن پاره‌ای از محلات بیرونی، به شهر (کاتب، ۱۳۴۵، ۸۴؛ آیتی، ۱۳۱۷، ۱۰۵)	تثبیت	گسترش	
		• ساخت ابنیه عمومی (جعفری، ۱۳۴۳، ۶۷-۶۹؛ میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۸)	نوسازی	گسترش	
		• ساخت برج و بارو (افشار، ۱۳۵۴، ۶۷۳-۶۷۲؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۶۹؛ جعفری، ۱۳۳۸، ۲۴-۲۵)	نوسازی	تکمیل-تقویت کارکرد	
		• توسعه محوری (به سمت شمال و شمال شرق) (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۹)	تحول		
		• شکل‌گیری محور شرقی- غربی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۶)	نوسازی	تحول-تغییر ساختار	
	توسعه در درون	توسعه در درون	• توسعه در بیرون همراه با نوسازی، الحاق و تخریب باغات (کاتب، ۱۳۴۵، ۶۹)	بازسازی	گسترش
			• گسترش زیرساخت‌های شهری (قنات) (کاتب، ۱۳۴۵؛ آیتی، ۱۳۱۷، ۱۰۲، ۹۹)	نوسازی	تکمیل
			• ساخت بازار و تقویت محور شمالی-جنوبی (آیتی، ۱۳۱۷، ۱۲۲؛ میراث فرهنگی، ۱۳۸۵)	نوسازی	تکمیل-تقویت کارکرد
			• ساخت ابنیه عمومی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۸؛ کاتب، ۱۳۴۵؛ توسلی، ۱۳۶۹، ۲۳-۲۲)	نوسازی	تکمیل-متراکم سازی
			• احداث مسیر شرقی- غربی، ساخت بازار در طرفین (امتداد مسیر دوره قبل) (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۶؛ کلانتری خلیل آباد، ۱۳۸۴، ۸۰؛ کلانتری خلیل آباد، حاتمی نژاد، ۱۳۸۵، ۱۹)	نوسازی	تحول
• مرمت برج و بارو (کاتب، ۱۳۴۵، ۷۳؛ افشار، ۱۳۵۴، ۶۷۳-۶۷۲)	بهبودی	تثبیت			
• تکمیل	نوسازی	تکمیل			
• مرمت مسجد جامع و سایر ابنیه عمومی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۲۸؛ آیتی، ۱۳۱۷، ۱۱۶)	بهبودی	تثبیت			
• ساخت فضاهای عمومی در شهر	نوسازی	تکمیل-متراکم سازی			

دوره تاریخی	نوع توسعه	اقدامات صورت گرفته	نوع اقدام	نتیجه اقدام	
آل مظفر	توسعه در بیرون	• شکل‌گیری محلات جدید (کاتب، ۱۳۴۵، ۷۲؛ جعفری، ۱۳۴۳، ۸۷)	نوسازی	گسترش	
		• پیوستن پاره‌ای از محلات بیرونی به شهر (کاتب، ۱۳۴۵، ۸۴، ۸۷، ۵۴؛ جعفری، ۱۳۴۳، ۵۱)		تثبیت گسترش	
		• ساخت ابنیه عمومی (کاتب، ۱۳۴۵، ۸۴، ۸۷، ۵۴؛ جعفری، ۱۳۴۳، ۵۱)	نوسازی	گسترش	
		• ساخت و تکمیل برج و بارو (کاتب، ۱۳۴۵، ۸۷؛ مستوفی بافقی، ۱۳۳۶، ۱۲۰)	نوسازی	تکمیل-تقویت کارکرد	
		• ساخت ۳ دروازه (جعفری، ۱۳۴۳، ۸۴؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۸۴)	نوسازی	تکمیل-تقویت کارکرد	
		• ساخت بازار (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۳۱؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۸۸؛ جعفری، ۱۳۳۸، ۵۵۸)	نوسازی	تکمیل	
	توسعه در درون	• توسعه معبر شمالی - جنوبی (امتداد مسیر دوره قبل) (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۷)	نوسازی	تکمیل	
		• توسعه محوری (جنوبی و شرقی) (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۷)		تحول	
		• توسعه در بیرون همراه با نوسازی، الحاق و تخریب باغات (کاتب، ۱۳۴۵، ۸۴-۸۳)	بازسازی	گسترش	
		• ساخت ابنیه عمومی (جعفری، ۱۳۴۳، ۵۲؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۸۵؛ توسلی، ۱۳۶۰، ۲۲-۲۳)	نوسازی	تکمیل	
		• ساخت بازار مجاور مسجد جامع و تقویت محور شمالی - جنوبی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۷)	نوسازی	تکمیل	
		• ساخت و ساز ابنیه عمومی پیرامون مسجد و همین‌طور قرارگرفتن مسجد در مرکز ثقل شهر بواسطه جهت توسعه در این دوره (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۷)	نوسازی	تکمیل	
تیموریان	توسعه در بیرون	• مرمت برج و بارو (جعفری، ۱۳۴۳، ۸۷)	بهسازی	تثبیت	
		• تعمیر • تکمیل و توسعه مسجد جامع و سایر ابنیه عمومی (آیتی، ۱۳۱۷، ۱۷۱)	بهسازی نوسازی	تثبیت تکمیل	
		• مرمت • نوسازی بخش‌های فرسوده (آیتی، ۱۳۱۷، ۱۷۱)	بهسازی نوسازی	تثبیت تکمیل	
		• ساخت ابنیه مسکونی و عمومی در شهر (آیتی، ۱۳۱۷، ۱۷۶، ۱۸۲)	نوسازی	تکمیل-متراکم سازی	
		• شکل‌گیری محلات جدید (مستوفی بافقی، ۱۳۳۶، ۸۴-۸۳)	نوسازی	گسترش	
		• شکل‌گیری مرکز جدید شهری (امیرچقماق) (کاتب، ۱۳۴۵، ۹۷؛ جعفری، ۱۳۴۳، ۵۷)	نوسازی	تحول-معاصر سازی	
	توسعه دور درون	• ساخت ابنیه عمومی و حکومتی (جعفری، ۱۳۴۳، ۵۷؛ کاتب، ۱۳۴۵، ۹۱، ۹۷)	نوسازی	تحول-معاصر سازی	
		• الحاق ربض به محدوده شهر (شارستان) (جعفری، ۱۳۴۳، ۵۹)	نوسازی	تحول-معاصر سازی	
		• ساخت بازار و تقویت محور شمالی - جنوبی (کاتب، ۱۳۴۵، ۹۴؛ میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۳۵)	نوسازی	تکمیل	
		• معاصر سازی خندق (افزایش عمق) (کاتب، ۱۳۴۵، ۹۱-۹۲)	نوسازی	تکمیل-معاصر سازی	
		• توسعه محوری (به سمت جنوب و جنوب شرق) (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۳۵)		تحول	
		• شکل‌گیری محور تجاری عمود بر محور شمالی - جنوبی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۴۷)	نوسازی	تحول	
توسعه دور درون	• ساخت بازار و تقویت محور شمالی - جنوبی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۳۵)	نوسازی	تکمیل		
	• بازسازی • مرمت ابنیه عمومی و مسکونی (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۳۵)	بازسازی بهسازی	تکمیل تثبیت		
	• تعمیر • تکمیل و توسعه مسجد جامع و سایر ابنیه عمومی	بهسازی نوسازی	تثبیت تکمیل		
	• مرمت • نوسازی بخش‌های فرسوده (میراث فرهنگی یزد، ۱۳۸۵، ۳۵)	بهسازی نوسازی	تثبیت تکمیل		
	• ساخت بناهای مختلف در شهر	نوسازی	متراکم سازی		
	• ساخت و سازه‌های جدید از طریق تخریب بخش‌های فرسوده (جعفری، ۱۳۴۳، ۵۹)	بازسازی	تکمیل		

دوره تاریخی	نوع توسعه	اقدامات صورت گرفته	نوع اقدام	نتیجه اقدام	
صفویان، افشاریان و زندیان	توسعه در بیرون	• شکل‌گیری محلات جدید (جعفری، ۱۳۵۴، ۲۰۷)	نوسازی	گسترش	
		• شکل‌گیری مرکز جدید شهری (میدان شاه طهماسب) (کلانتری خلیل آباد، ۱۳۸۴، ۸۲؛ کلانتری خلیل آباد، حاتمی نژاد، ۱۹، ۱۳۸۵)	نوسازی	تحول	
		• برقراری ارتباط میان مرکز جدید (شاه طهماسب) و قدیم (امیرچقماق) شهر و تقویت محور شرقی- غربی (استقرار عملکردهای تجاری) (میراث فرهنگی یزد، ۴۸، ۱۳۸۵)	نوسازی	تکمیل	
	توسعه در درون	• توسعه محوری (به سمت غرب، جنوب و جنوب غرب) (میراث فرهنگی یزد، ۳۸، ۱۳۸۵)	نوسازی	تحول	
		• توسعه در بیرون همراه با نوسازی، الحاق و تخریب باغات	بازسازی	گسترش	
		• ساخت دروازه (میراث فرهنگی یزد، ۳۸، ۱۳۸۵؛ مستوفی بافقی، ۱۳۳۶)	نوسازی	تکمیل	
		• ساخت ابنیه عمومی (بازار و ...) (میراث فرهنگی یزد، ۳۸، ۱۳۸۵)	نوسازی	گسترش-تکمیل	
		• شکل‌گیری حسینیه‌ها (معاصر سازی) (طرح جامع یزد، ۳۵، ۱۳۸۲)	نوسازی	تحول- معاصر سازی	
		• تعمیر • تکمیل مسجد جامع و سایر ابنیه عمومی	بهبودی نوسازی	تثبیت تکمیل	
		• مرمت • نوسازی بخش‌های فرسوده	بهبودی نوسازی	تثبیت تکمیل	
		• تخریب ارگ حکومتی و ساخت محله (افشار، ۱۳۷۳، ۱۳۰)	بازسازی	تحول	
		• ساخت ابنیه در شهر (افشار، ۱۳۷۳، ۱۳۰)	نوسازی	تکمیل-متراکم سازی	
قاجاریه	توسعه در بیرون	• شکل‌گیری محلات جدید (میراث فرهنگی یزد، ۴۱، ۱۳۸۵)	نوسازی	گسترش	
		• ساخت مرکز جدید شهری (مجموعه خان) در مجاورت دو مرکز قبلی (کلانتری خلیل آباد، ۱۳۸۴، ۸۳؛ آیتی، ۱۳۱۷، ۳۹۱، ۳۷۶؛ کلانتری خلیل آباد، حاتمی نژاد، ۱۹، ۱۳۸۵)	نوسازی	تحول	
		• ساخت ابنیه عمومی (بازار، مدرسه، رباط و ...) (میراث فرهنگی یزد، ۴۱، ۱۳۸۵)	نوسازی	گسترش	
		• ساخت و تکمیل برج و بارو (میراث فرهنگی یزد، ۴۱، ۱۳۸۵)	نوسازی	تکمیل	
		• توسعه با محوریت راستای تجاری شمالی- جنوبی (میراث فرهنگی یزد، ۴۸، ۱۳۸۵)	نوسازی	گسترش	
		• توسعه در بیرون همراه با نوسازی، الحاق و تخریب باغات (میراث فرهنگی یزد، ۴۸، ۱۳۸۵)	بازسازی	گسترش	
	توسعه در درون	• ساخت ابنیه عمومی (بازار و ...) (میراث فرهنگی یزد، ۴۱، ۱۳۸۵)	نوسازی	گسترش	
		• تعمیر • تکمیل و توسعه مسجد جامع و سایر ابنیه عمومی	بهبودی نوسازی	تثبیت تکمیل	
		• آخرین دوره مرمت برج و بارو (میراث فرهنگی یزد، ۴۱، ۱۳۸۵)	بهبودی	تثبیت	
		• مرمت • نوسازی بخش‌های فرسوده (میراث فرهنگی یزد، ۴۱، ۱۳۸۵)	بهبودی نوسازی	تثبیت تکمیل	
		• ساخت فضاهای تجاری و مذهبی در بین عناصر موجود (طرح جامع یزد، ۳۹-۳۷)	نوسازی	تکمیل-متراکم سازی	
		• ساماندهی مراکز محلات دوره‌های قبل (طرح جامع یزد، ۳۹-۳۷)	بهبودی	تکمیل-تقویت‌کارکرد	
• ساخت ابنیه با عملکردهای جدید (پست، تلگراف) (توسلی، ۱۳۶۰، ۱۵؛ میراث فرهنگی یزد، ۴۰، ۱۳۸۵)	نوسازی	تحول- معاصر سازی			

است. این توسعه در دو حوزه درون و بیرون شهر صورت گرفته است. شهر بواسطه پاسخ به نیازهای ساکنین جدید خود و همینطور پاسخ به نیازهای جدید ساکنین موجود، تغییراتی را در درون و رشدی را به سمت بیرون، داشته است.

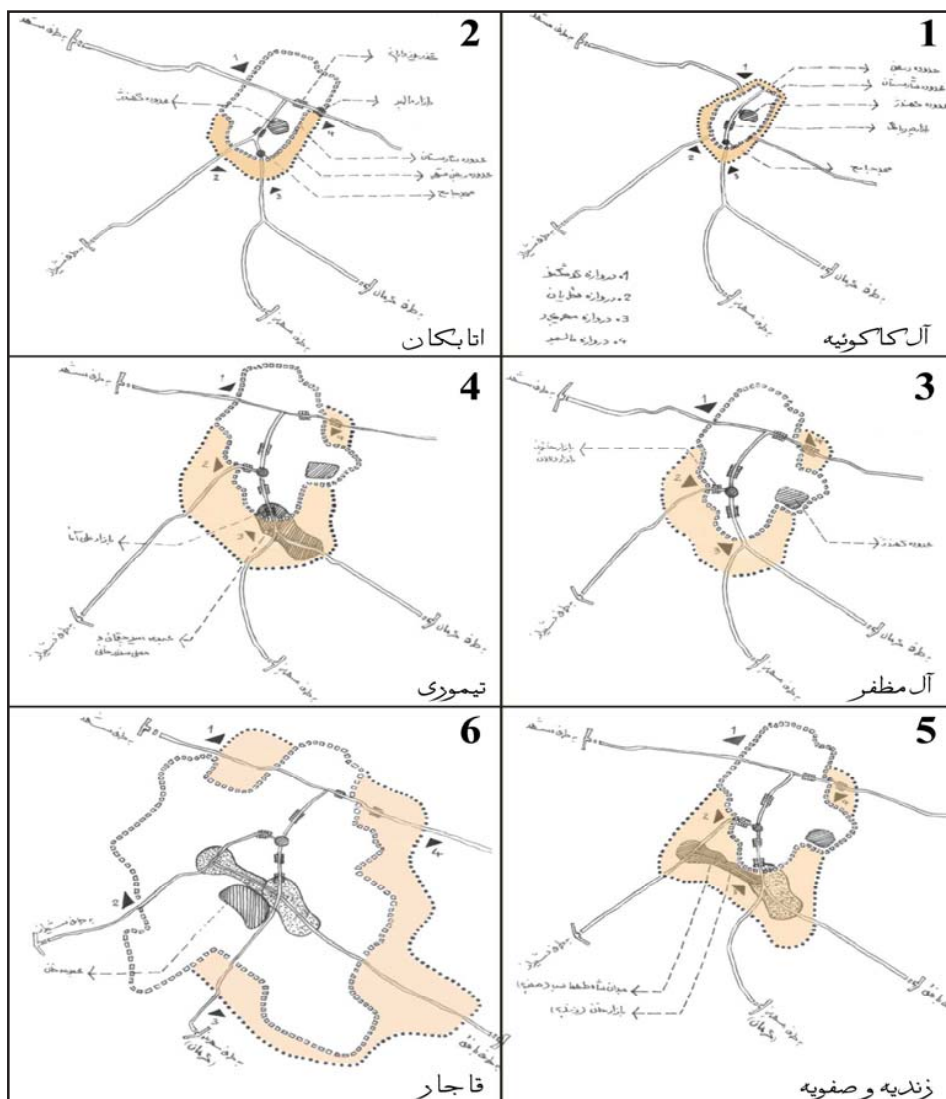
در درون محدوده شهر، مثلی از اقدامات توسعه‌ای شامل بهسازی^۴، نوسازی^۵ و بازسازی^۶، قابل شناسایی است. اقدامات سه گانه صورت گرفته، پیامدهایی را در بافت موجود به همراه داشته است. نوسازی در محدوده درون شهری، زمینه‌ساز تکمیل، متراکم‌سازی (در نواحی با تراکم پایین)، معاصر سازی و بعضاً در مواردی تحول بافت شهری موجود بوده است. از سوی دیگر، اقدامات صورت‌گرفته با محوریت بهسازی، به حفظ

آنکه توسعه شهر در دو محدوده درون (بخش‌های موجود) و بیرون (بخش‌های اضافه شده) اتفاق می‌افتد، مؤلفه‌های توسعه کالبدی، در دو بخش به تفکیک بیان شده‌اند.

توسعه درونی - بیرونی

(تحلیل جدول و نقشه‌های ارائه شده)

مروری بر روند توسعه شهر در ۶ دوره‌ای که ذکر آن رفت از منظر توجه به بخش موجود و بخش‌های اضافه شده، حکایت از آن دارد که توسعه، رکن رکین شهر در همه ادوار بوده است به نحوی که با حذف آن، شهر موجودیتی مخدوش خواهد داشت. شهر تاریخی امروز حاصل توسعه مستمر آن در دوره‌های مختلف



نقشه ۱- مراحل اصلی توسعه شهر یزد از قرن ۵ تا ۱۳ هجری.
 مأخذ: (مهندسان مشاور شمس، ۱۳۸۵)

مدل توسعه یزد در خدمت حفاظت شهر؛ توسعه حفاظت محور

نظریه اینکه موضوع این مقاله بر محور حفاظت می باشد، پیش از آنکه ارتباط میان توسعه شهر و مقوله حفاظت از بخش قدیمی آن در دوره های مختلف تشریح شود، لازم است تا مفهوم روشنی از حفاظت بطور عام و حفاظت شهری بطور خاص ارائه شود. شهر تاریخی به مثابه موجودی زنده است و چونان سایر موجودات زنده، نیازمند شرایط و ملزوماتی به جهت تداوم زندگی خود می باشد؛ در صورت مهیا نبودن این شرایط، دچار مرگ تدریجی می شود. تمام تلاش حفاظت از این موجود زنده، در کمک و فراهم آوردن امکان تداوم حیات آن خلاصه می شود. این مفهوم با توجه به تأکید حفاظت نوین بر زنده ماندن (Ipekoglu, 2006) و تطویل و تداوم عمر آثار (آیت آ... زاده شیرازی، ۱۳۸۲، ۶-۷) روشن است. براین اساس، مفهوم حفاظت شهری، بر مدار تداوم حیات شهر دور می زند.

و تثبیت وضعیت مطلوب مناطق موجود انجامیده و بازسازی در محدوده درون شهری نیز ضمن نوزایی بافت جدید شهری و بازیافت بافت فرسوده، موجب ارتقا و تکامل مناطق دورن شهری بوده است. به دیگر سخن، مجموعه اقدامات توسعه ای در محدوده درونی شهر، با تثبیت، تکمیل، معاصر سازی و نوزایی درون شهری، کارآمدی و نقش فعال عناصر و بافت شهری را با گذشت زمان تضمین و زمینه ساز تداوم حیات بخش های موجود و رشد کیفی شهر بوده اند. در محدوده بیرونی نیز، عمده اقدامات توسعه، حول نوسازی متمرکز است که با زایش مناطق جدید، موجب گسترش و به تعبیری رشد کمی شهر شده است. اگر چه در مواردی که بخش های موجود حاشیه شهر، به شهر الحاق می شود، مثل اقدامات داخل شهر در این مناطق نیز در مقیاس ابنیه و بافت قابل شناسایی است. از آن جمله می توان به توسعه شهر در دوره های اتابکان، آل مظفر و تیموریان که به الحاق بخشی از مناطق بیرونی به شهر منجر شده، اشاره داشت.



نمودار ۱-گونه شناسی توسعه کالبدی شهر یزد بین قرون ۵ تا ۱۳ هجری از منظر نسبت میان بخش های موجود و اضافه شده.

توسعه شهر یزد، به روشنی بیانگر اهمیت حفظ و تقویت عملکرد بخش های قدیم و بهسازی کالبد مشتمل بر حفظ و نگهداری، تعمیر و مرمت و ساماندهی و ... در مقیاس ابنیه و بافت است. برخی از مصادیق این ادعا شامل موارد ذیل می باشد.

حفظ و تقویت حوزه عملکردهای عمومی در بخش قدیم در روند توسعه؛ برای مثال نقش فعال مراکز شهری دوره های قبل، همواره حفظ شده و بعضاً با توسعه عملکردشان، تقویت شده است. تقویت محور شمالی- جنوبی و مرکز شهری در مجاورت مسجد جامع، با توسعه عملکرد بازار و گسترش دیگر عملکردهای عمومی در این مرکز شهری، در بیشتر دوره های توسعه شهر یزد نظیر آل کاکویه، اتابکان، آل مظفر و قاجاریه، به چشم می خورد. حفظ و بهسازی کالبدی بخش های فعال موجود؛ به عنوان نمونه تعمیر، مرمت و تکمیل مسجد جامع و برج و باروی شهر در تمامی مراحل توسعه و مرمت ابنیه عمومی مشتمل بر مدرسه، بازار و ساماندهی مراکز محلات دوره های قبل در دوره قاجاریه، از جمله اقداماتی هستند که با محوریت توسعه حفاظت گونه به انجام رسیده اند. ذکر این نکته ضروری است که تمرکز این مقاله با توجه به منابع و مستندات موجود، بر روی دانه های شاخص بافت

توسعه شهر یزد در گذشته در معنای دقیقش بر همین محور استوار است. به تعبیری توسعه یزد با ایجاد امکان تغییرات ساختاری، به حفاظت از بخش موجود شهر می پردازد و از مرگ و نابودی آن جلوگیری می نماید. در این منظومه، توسعه و حفاظت به همکاری هماهنگ با یکدیگر در این محیط ها می پردازند. در نهایت، توسعه به تداوم میراث، در اینجا شهر یزد تاریخی، از گذشته به حال و آینده منجر خواهد شد (Thaitakoo, 2006). در مدل توسعه شهر یزد، مؤلفه هایی وجود دارد که بر مدار مفهوم مذکور توسعه عمل کرده و موجبات حفاظت شهر را فراهم آورده است. این مؤلفه ها در دو سطح، عملیاتی گشته اند. در سطح نخست، با انجام تغییرات کالبدی در محدوده موجود که تحت عنوان اقدامات تکمیلی در این مقاله از آنها یاد شده است، تداوم حیات بخش موجود و حفاظت از آن، محقق شده است. در سطح دیگر، با اتخاذ رویکردهایی در نوسازی و ساماندهی بخش اضافه شده که تحت عنوان اقدامات زایشی در این مقاله از آنها یاد شده، موجبات رشد شهر در فرآیندی تعاملی میان بخش قدیم و جدید میسر شده است. در این مدل از توسعه، مؤلفه هایی وجود دارد که با برقراری تعامل مناسب با بخش های موجود، موجبات حفاظت از آنها را فراهم می آورند. در این تحقیق، پنج مؤلفه عمده حفاظتی در این مدل توسعه یزد شناسایی شده است که شامل الف) حفظ و تثبیت بخش های کارآمد موجود در فرآیند رشد شهری، ب) تطبیق بخش های موجود با شرایط و الزامات مراحل مختلف توسعه، ج) حذف فشار مازاد بر توان بخش قدیم، د) برقراری هماهنگی و انسجام میان کالبد جدید و قدیم و ه) محوریت بخش قدیم در روند توسعه می باشد. سه مؤلفه اول، مربوط به سطح یک بوده و در درون محدوده موجود و ذیل عنوان اقدامات تکمیلی محقق می شوند، و مؤلفه چهارم و پنجم، مربوط به سطح دوم بوده و ذیل عنوان اقدامات زایشی، موجبات حفاظت از محدوده موجود را فراهم می سازد.

حفظ و تثبیت عناصر و بخش های کارآمد موجود

فراموشی و بی توجهی، از مهم ترین عوامل آسیب رسان به یک پدیده می باشند (Dutt and Thakur, 2007,55; Dyches, 1991,3; Pickard, 2001,123, 1)، و در مقابل توجه به آن و کمک به ایفای نقش پررنگ و داشتن حضوری فعال، از کارآمدترین روش های حفاظت از آن به شمار می رود. شاید بتوان مهم ترین خصیصه مدل توسعه یزد را، عدم تفکیک میان بخش قدیم و جدید و نگاه متعادل به این دو بخش در روند توسعه دانست. هر چند در عین برقراری تعادل میان این دو بخش، جنس اقدامات در هر یک از این حوزه ها با یکدیگر متفاوت است که با توجه به اقتضائات و ویژگی های این بخش ها، باید هم این چنین باشد. در این مدل، همواره بخش قدیم مورد توجه بوده است. از جمله مهم ترین اقدامات توسعه که حفاظت از بخش های قدیم را موجب شده است، حفظ و تثبیت عناصر و بافت کارآمد موجود در دو وجه کالبدی و عملکردی می باشد. مروری بر مراحل شش گانه

بخش‌هایی از بافت، که بواسطه نیازهای دوره جدیدتر نیاز به تراکم بیشتر کالبدی وجود داشته با تخریب بخش‌های فرسوده و یا ساخت بناهای میان‌افزا این کار صورت می‌گرفته است. این تغییر به تقویت و رونق این بخش‌ها در درون شهر قدیم منجر می‌شده است. در اکثر دوره‌های توسعه، گزارش‌هایی از ساخت ابنیه جدید در بخش قدیم به چشم می‌خورد.

ت. تخریب بخش‌های فرسوده یا غیرکارآمد و اقدام به نوسازی؛ بدون هیچ ابائی از تغییر در صورتی که امکان مرمت بخش‌هایی از شهر مقرون به صرفه نبوده یا به شکل دیگری از ابنیه نیاز بوده با رعایت اصول شهرسازی حاکم بر شهر، در بخش‌های فرسوده تخریب و نوسازی صورت می‌گرفته است. برای مثال می‌توان به تخریب ارگ حکومتی و ساخت محلات مسکونی در دوره چهارم توسعه شهر یزد اشاره داشت؛ همچنین در محدوده شهر دوره آل‌کاکویه و اتابکان، در امتداد گذر یوزداران کنونی، که می‌بایست سبک معماری قرون اولیه اسلامی به چشم بخورد، ابنیه قاجاری زیادی وجود دارد. از سوی دیگر با توجه به تغییر سیستم دفاعی شهرها در نتیجه تغییر ادوات جنگی از دوره قاجاریه، این دوره شاهد آخرین مرحله تعمیرات برج و باروی شهر می‌باشد.

ج. تغییر در نظام سازماندهی دانه‌ها برحسب اقتضات زمانی مختلف؛ برای مثال الگوی ارگانیک شهر، در یک تغییر بطبع اما محسوس، به نظام ارگانیک - شطرنجی در دوره بعد تغییر می‌یابد. هرچند از دلایل این تغییر اطلاعی در دست نیست، با این حال در این نظام معماری و شهرسازی که پرهیز از بیهودگی از ارکان آن به شمار می‌رود (پیرنیا، ۱۳۸۰، ۲۸)، مطمئناً بواسطه مجموعه‌ای از شرایط و اقتضات این اتفاق رخ داده است.

ح. ساخت و توسعه ابنیه متناسب با شرایط و اقتضات عملکردی زمانه؛ شهر یزد در دوره‌های مختلف توسعه با توجه به نیازمندی‌های جامعه و اولویت‌های حکومتی، شاهد شکل‌گیری ابنیه و عملکردهای مختلف و یا جدیدی بوده است. تأکید بر ساخت مدارس در برخی دوره‌ها (اتابکان و آل مظفر)، احداث حسینیه با توجه به گسترش باورهای مذهبی به ویژه در دوره صفویه، شکل‌گیری مراکز جدید شهری در دوره‌هایی همچون تیموری، صفویه و قاجاریه و ساخت بناهایی با عملکردهای جدید همچون پست در دوره قاجاریه، نمونه‌هایی از تطبیق‌پذیری شهر با اقتضات زمانه و نیازمندی‌های جدید جامعه در حال رشد می‌باشد. عطف به جدول ۱، در همه دوره‌ها این تغییرات با ضعف و شدت به چشم می‌خورد. این موارد، شواهدی از انجام تغییرات مستمری است که به حفاظت شهر در طول زمان منجر شده است.

حذف فشار مازاد بر توان بخش قدیم

توان بخش موجود شهر برای پاسخ به ظرفیت مشخصی از کاربران و نیازهای آنهاست. افزایش بیش از حد و مازاد بر این ظرفیت، می‌تواند به وارد آمدن آسیب، تضعیف و نهایتاً تخریب این بخش منجر گردد. افزایش کمی و گسترش محدوده شهر یزد در قالب جریان توسعه تاریخی آن، به نوعی حذف بار مازاد بر گرده شهر موجود بوده

بوده است که به نظر می‌رسد به گونه‌ای قابل قبول از کم و کیف اقدامات نسبت به سایر دانه‌ها و ابعاد بافت نیز حکایت می‌کند.

تطبیق بخش قدیم با شرایط و الزامات مرحله جدید توسعه

گفته شد که حفاظت شهری رابطه وثیقی با تداوم حیات شهر دارد. این رویکرد به حفاظت شهری، ملزوماتی دارد که از مهم‌ترین آنها، پذیرش و فهم جایگاه تغییر در شاکله شهر است. از مشخصه‌های یک موجود زنده، رشد کمی و کیفی است یا به زبانی دیگر، تغییر در آن به منظور تداوم حیات طبیعی آن است. از این نظرگاه، «عمل حفاظت، نیازمند مقداری تغییر [در ساختار موجود] است اگرکه موضوع آن، حفاظت از زندگی و تداوم حیات چیزی است» (Topcu, 1996, 1). «بنابراین، حفاظت لزوماً نگهداری یک پدیده بصورتی که است و بدون اجازه تغییر نیست... [بلکه] حفاظت روند آگاهانه‌ای است که اجازه تغییرات لازم را می‌دهد و آنها را مدیریت می‌کند» (Vincent Heritage, 2012). تا بدانجا که هم‌اکنون «گرایش به سمت شامل کردن میراث فرهنگی [به مثابه پدیده ای زنده] در مفهوم توسعه مستمر... متمایل است». از این منظر، «حفاظت شهری [نیز] به صورت مدیریت تغییر و تحول تعریف شده است» (یوکیلتو، ۱۳۷۷، ۱۲۹). بنابراین «تغییر و تداوم، با وجودی که در نگاه اول به ظاهر در تضاد با حفاظت به نظر می‌رسند، مؤلفه‌هایی هستند که به شدت در تعامل با آن هستند» (Topcu, 1996, 1). بنابراین در خصوص شهر، تغییر، به منظور تداوم حیات آن، محوریت دارد.

توسعه یزد در حقیقت امکانی را فراهم آورده تا شهر، تغییرات لازم به منظور تداوم حیاتش را تجربه کند. تغییراتی که بخش‌های قدیم شهری طی مراحل مختلف توسعه به خود دیده‌اند در سه سطح تغییرات تکمیلی با حفظ ساختار اصلی، تغییرات ساختاری (تحول در کالبد موجود) و نوزایی (تحول با ایجاد کالبد جدید)، قابل دسته‌بندی می‌باشد. اهم این تغییرات که اطلاعات مستندی از آنها در دست است شامل موارد ذیل است.

الف. تکمیل و توسعه بخش‌های موجود؛ برای مثال شبکه قنات، مسجد جامع و سایر ابنیه عمومی در تمامی ادوار توسعه یزد این تغییرات را تجربه می‌کند. کاشی‌کاری مسجد در دوره تیموری، ساخت دو مناره در دوره صفوی و احداث شبستان در دوره قاجاریه، نمونه‌هایی از اقدامات تکمیلی در قالب نوسازی هستند که تداوم حیات مسجد را با گذشت زمان تضمین کرده‌اند.

ب. تقویت مراکز شهری دوره قبل؛ همواره با انجام ساخت و سازهای جدید در اطراف محدوده مرکز شهر دوره قبل، رونق آن حفظ و تقویت می‌شده و این تغییرات نقش مهمی در رونق کل محدوده دوره قبل ایفا می‌نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به تقویت مرکز شهری پیرامون مسجد جامع و محور شمالی - جنوبی با گسترش و احداث فضاهای تجاری و عمومی در اکثر دوره‌های توسعه شهر یزد همچون اتابکان، آل مظفر و قاجاریه اشاره داشت. ت. افزایش تراکم برخی قسمت‌ها در صورت لزوم؛ در

نظام پروخالی قابل مطالعه است. در خصوص نظام دسترسی، رابطه تنگاتنگی میان دو بخش جدید و قدیم وجود دارد. امتداد و تقویت محورهای ارتباطی بخش قدیم در بخش جدید؛ دقت در نقشه‌های شش‌گانه ۱ تا ۶ حکایت از آن دارد. عموم راه‌ها و محورهای اصلی ارتباطی در دوره‌های بعد امتداد پیدا می‌کنند و بخش‌های موجود با ساخت عناصر عمومی تقویت می‌شوند. ضمن آنکه محورهای ارتباطی جدید نیز در مرکز محلات جدید با راه‌های قدیم تقاطع نموده و شبکه درهم تنیده‌ای را تعریف می‌نمایند که کل شهر را به هم وصل می‌کنند. در خصوص الگوی گسترش نیز، الگوی ارگانیک رشد همواره محوریت داشته و نظام پروخالی‌ها همواره درون‌گرا و مرکزگرا بوده است.

ب) از منظر شاخصه‌های عملکردی، هماهنگی و سازگاری ساختار عملکردی شهر (اجزای عملکردی و ترکیب و همجواری آنها) در دو بخش جدید و قدیم مد نظر می‌باشد. شهر یزد در مراحل شش‌گانه توسعه، ساختار عملکردی هماهنگی را به خود دیده است. شکل‌گیری مراکز جدید شهری با توجه به میزان گسترش شهر، هم‌نشینی عملکردهای عمومی در مجاورت آنها و نظام محله‌بندی، الگویی رایج از ترکیب اجزای عملکردی در بافت شهری به شمار می‌رود. همچنین تعامل عملکردی عناصر شاخص بافت به عنوان ابزاری کارآمد در تقویت رابطه بین بخش‌های مختلف بافت شهری مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال در سه دوره آخر توسعه شهر تاریخی یزد، سه مرکز جدید شهری شکل می‌گیرند. همجواری و ایجاد محوری اصلی که این سه مرکز را مانند دانه‌های تسیب به هم می‌دوزد، رابطه مطلوبی را بین بخش‌های مختلف شهر، که هر یک مربوط به یک دوره هستند، ایجاد نموده است. از سوی دیگر، در دوره‌های مختلف توسعه با توجه به ازدیاد جمعیت و یا شرایط زمانه، نیاز به توسعه عملکردهای پیشین و یا عرضه عملکردهای جدید بوده است؛ بخشی از این نیازهای عملکردی، با تکمیل، توسعه و یا ایجاد عملکردهای مورد تقاضا در بخش‌های قدیم از طریق نوسازی و یا بازسازی تأمین شده است. چنین رویکردی از بُعد عملکردی، تعاملی پویا میان بخش‌های جدید و قدیم را در مسیر تداوم حیات شهر به مثابه کلتی وحدت یافته موجب شده است.

ج) ویژگی‌های فضایی و بصری مناطق مختلف شهر که طی دوره‌های مختلف توسعه شکل گرفته‌اند نیز به واسطه هماهنگی در ساختار کالبدی و عملکردی، همچنین پایبندی به اصولی چون عرصه‌بندی فضایی و سلسله مراتب دسترسی در تمامی مراحل توسعه به گونه‌ای منسجم و وحدت یافته درک می‌شود. به گونه‌ای که از نظر بصری با حرکت در بافت تاریخی شهر، تمامی بخش‌های آن به صورت کلی انسجام یافته درک می‌شوند.

این عوامل، موجبات شکل‌گیری کلتی واحد و پیوسته را فراهم آورده است و باعث شده بخش قدیم شهر نیز پا به پای بخش جدید و به عنوان بخشی از پیکره واحد عمل نموده، به نحوی که امروزه پس از گذشت سال‌ها، به راحتی می‌توان آنها را در گروه معماری سنتی ایران با هم جمع نمود.

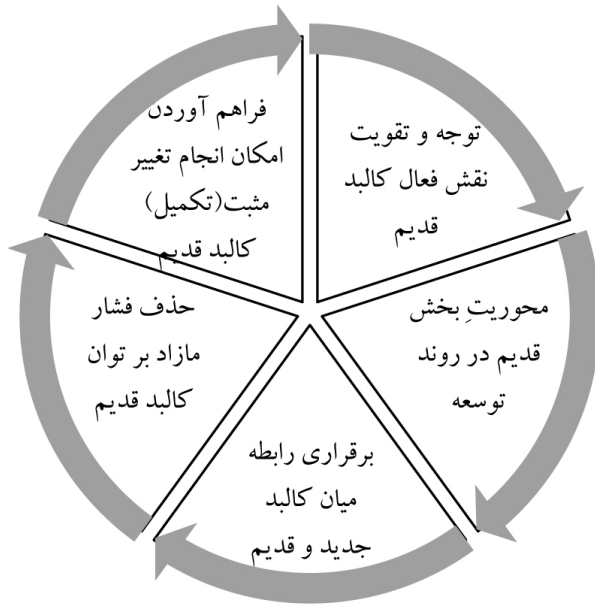
گرده شهر موجود بوده که از آسیب‌های آتی وارده بر آن جلوگیری نموده است. لذا توسعه بیرونی شهر با انتقال بار مازاد فعالیتی از محدوده شهر دوره قبل به محدوده پیرامونی آن، از ایجاد تنش‌های بیش از حد توان محدوده قدیمی در آن جلوگیری نموده است.

از سوی دیگر، در برخی از برهه‌های زمانی مانند آل مظفر و قاجار، سرعت افزایش جمعیت شهر با سرعت اقدامات تکمیلی چونان تعمیر، مرمت، متراکم‌سازی و نوسازی در بافت قدیم که در مقایسه با نوسازی در اراضی اطراف شهر پایین‌تر هستند، همخوانی نداشته و توسعه شهر در اراضی پیرامون، در حقیقت ضمن جلوگیری از اقدامات شتاب‌زده داخل محدوده قبلی، این فرصت را ایجاد نموده تا بخش‌های قبلی با روندی مطلوب و آرام‌تر با شرایط جدید سازگار شده، مورد بهره‌برداری قرار گیرند. حال آنکه در دوره پنجم توسعه شهر، صفویه، زندیه و قاجار، که شهر رشد آرام جمعیتی را تجربه می‌کرده و فرصت انجام اقدامات تکمیلی در داخل محدوده شهر با سرعت افزایش جمعیت هم‌خوانی داشته، محوریت توسعه با توسعه درونی بوده است. بنابراین توسعه شهر با برقراری تعادل بین میزان رشد جمعیت و سرعت مورد نیاز به انجام اقدامات تکمیلی در داخل شهر و اقدامات زایشی در خارج شهر، به حفاظت و عدم وارد آمدن آسیب به بخش موجود شهر کمک شایانی نموده است.

برقراری هماهنگی و رابطه میان بخش جدید و قدیم

شهر به مثابه پیکره‌ای واحد عمل می‌کند و لازمه این امر وجود هماهنگی، سنخیت و ارتباطات تعریف شده میان اجزای این پیکره است. در مدل توسعه یزد در هر دوره، این هماهنگی و رابطه میان مناطق موجود و بخش اضافه شده، محسوس و ملموس است. با اتخاذ رویکردی کلان نسبت به بافت و شهر بر اساس نظریه "ساخت اصلی"، می‌توان هماهنگی و رابطه میان دو بخش جدید و قدیم را در سه سطح ویژگی‌های کالبدی، مشخصات عملکردی و ویژگی‌های فضایی و بصری مورد مطالعه و بررسی قرار داد. از این منظر هماهنگی و ارتباطی قوی میان این سه جزء در بخش قدیم و جدید شهر در دوره‌های مختلف توسعه برقرار بوده است.

الف) ویژگی‌های کالبدی، ویژگی‌های عناصر کالبدی (ابنیه) شاخص، ساختار و بافت شهری و دسترسی‌ها را شامل می‌شود. در مقیاس معماری تشابه سبک، مصالح، تکنیک‌ها و روش‌های ساخت، سازماندهی عناصر و اجزای بنا و ... از مشخصه‌های معماری گذشته شهر یزد به شمار می‌رود به نحوی که برای مخاطب عام، تشخیص دوره‌های مختلف این گونه از معماری دشوار است. مسجد جامع به عنوان عنصر شاخص شهری، مصداقی بارز از هماهنگی تغییرات و اقدامات صورت گرفته در هر دوره توسعه، در شاکله خود به شمار می‌رود. در مقیاس بافت قرابت در نظام دسترسی، الگوی گسترش و



نمودار ۲-۱- اهمیت مؤلفه‌های مدل توسعه کالبدی یزد در ربط با مقوله حفاظت از بخش قدیم شهر.

محوریت بخش قدیم در روند توسعه

روند توسعه یزد همچنان که در جدول و نقشه‌های شش‌گانه مشخص می‌باشد، به گونه‌ای است که همواره محوریت بخش موجود، در شکل‌گیری شاکله جدید مورد توجه بوده است. در حقیقت بخش‌های اضافه شده به شهر الحاق می‌شده‌اند و شهر در هر دوره‌ای از یک سمت و در محدوده بلافصل خود، این الحاقات را شاهد بوده است؛ به همین دلیل، در انتهای دوره قاجار، آنچه هویداست مرکزیت و محوریت بخش‌های اولیه و قدیمی‌تر در شاکله کالبدی جدید است؛ از مهم‌ترین نتایج مدل توسعه شهر یزد می‌توان به این نکته اشاره کرد که موجودیت و توفیق بخش جدید بطور محسوسی در گرو بخش قدیم است و این، خود توسعه شهر را منوط به توسعه بخش‌های موجود می‌کند. نتیجه آنکه حفاظت از بخش موجود به عنوان بخشی از روند توسعه کل شهر و تقویت ساختار قبلی به منظور توفیق توسعه کلان شهر، ناگزیر می‌نماید.

نتیجه

با شرایط و الزامات مراحل مختلف توسعه، ج. حذف فشار مازاد بر توان بخش قدیم، د. برقراری هماهنگی و رابطه میان کالبد جدید و قدیم، ه. محوریت بخش قدیم در روند توسعه، اشاره داشت. موارد مذکور در قالب اقدامات تکمیلی و زایشی محقق می‌گردند. بر این اساس، اقدامات تکمیلی در درون بافت، توسعه درون شهر را محقق ساخته و بدین واسطه بخش موجود شهر، ارتقای کمی و کیفی پیدا می‌کند و اقدامات زایشی موجب می‌شوند، شهر در بیرون محدوده قبل توسعه یابد؛ البته مهم‌تر از هر دو اینها، برقراری ساز و کاری دوسویه و تعاملی است. در نهایت، شهری جدید بر پایه احترام به شهر قدیم و در تعامل و پیوستگی کامل با آن شکل می‌گیرد. در منظومه شهر جدید، بخش قدیم با حفاظتی که از آن صورت می‌گیرد، نقش خود را حفظ نموده و با پوست‌اندازی نسل‌ها، این محدوده نیز پوست انداخته، توسعه یافته و دوره‌ای جدید از حیات خود را تجربه می‌نماید.

مدل توسعه شهر یزد در بازه زمانی مورد نظر، مدلی مطلوب از گونه‌ای از توسعه را در اختیار می‌گذارد که ضمن پاسخ به نیازهای جدید، شکل مناسبی از حفاظت را بدون افتادن در دام نگرش‌های افراطی (حفاظت موزه‌ای) و تفریطی (عدم چارچوب مداخلاتی) تصویر می‌نماید. این مدل که بر پایه فهم درستی از ماهیت شهر-به مثابه موجودی زنده و نیازمند رشد کمی و کیفی - شکل گرفته، با برقراری تعادل و تعاملی منطقی بین بخش موجود و بخش اضافه شده، نه نیازهای روز ساکنین را نادیده می‌گیرد و بر حفاظت افراطی از بخش قدیم اصرار می‌ورزد و نه با بی‌توجهی به ارزش‌های بافت موجود، صرفاً پاسخ به نیازهای روز را هدف قرار می‌دهد. این‌گونه از توسعه، که می‌توان آن را "توسعه حفاظت محور" نامید، مؤلفه‌های شاخصی را در ربط با حفاظت از بخش‌های قدیم شهر شامل می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ا. حفظ و تثبیت بخش‌های کارآمد موجود در فرآیند رشد شهری، ب. تطبیق بخش‌های موجود

پی‌نوشت‌ها

۱ «بویزه بافت‌هایی که به واسطه پوسیدگی کالبدی، به شکل فزاینده‌ای با افول کیفیت‌های محیطی مواجهند» (گلکار، ۱۳۷۹، ۵۱).
 ۲ نوسازی، مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که در عین حفاظت بنا، مجموعه و یا فضای شهری، با تکمیل و تحول در ساختارهای موجود، امکان بازدهی بهینه آن را [در شرایط معاصر] فراهم می‌آورد.
 ۳ «عمران مجدد بافت فرسوده و غیرعملکردی در جایی که میزان فرسودگی و غیرفعال بودن تقریباً زیاد است... در چنین حالتی... تنها راه حل... در انهدام استخوان بندی منسوخ و بنای کالبدی نوین خلاصه می‌شود» (رهنما، ۱۳۸۸، ۳۹۲).

1 Washington Charter, 1987.

2 Vienna Memorandum on "World Heritage and Contemporary Architecture Managing the Historic Urban Landscape". Durban. 2005. URL: wtcc-05/29.com(5).

3 Getty.

۴ بهسازی، عبارتست از انجام اصلاحات در بافت‌های موجود (گلکار، ۱۳۷۹، ۵۱). با هدف بهبود شرایط زندگی ساکنین و «باززنده‌سازی بافت در حال فرسوده شدن که عمدتاً نیاز به اصلاح شبکه معابر، تأمین خدمات روبنایی و زیربنایی و ساماندهی فضایی دارد» (رهنما، ۱۳۸۸، ۳۹۲-۳۹۳).

فهرست منابع

- Nepal, Kathmandu urban Heritage Conservation and Development Project. Campbell, Scott (1996), Green Cities, Growing Cities, Just Cities?, *Journal of the American Planning Association*, Vol 62, No 3, PP 296-312.
- Cantell, T (1975), Why Conserve, *the Planners*, Vol 61, No 1, PP6-10.
- Canter, D (1977), *The psychology of place*, Architectural Press, London.
- Cohen, N (1999), *Urban Conservation*, Massachusetts: MIT Press, Cambridge.
- Cohen, N (2001), *Urban Planning Conservation and Preservation*, McGraw-Hill Professional, NY.
- Delafon, J (1997), Sustainable Conservation, *Built Environment*, Vol 23, No 2, PP 111-120.
- DETR (2000a), *The Urban White Paper: Our towns and Cities: The Future*, Delivering the Urban Renaissance, London.
- DETR (2000b), *Planning Policy guidance Note 3: Housing*, DTLR, London.
- Dix, Gerald (1990), Conservation and change in the City, *Third World Planning Review*, Vol 12, No 4, PP 385-407.
- Drummond, P, And Swain, C (1996), *Environmental capacity of a historic city: the Chester experience, in the Compact City: A Sustainable Urban Form?* Eds. M. Jenks, K. Williams and E. Burton, F&N Spon, London.
- Dyches, A (1991), Demolition by Neglect: What the Experts Say, *Preservation Progress*, Vol 35, No 5, PP 3-5.
- Ebbe, katrinka (2009), *Directions in urban development, infrastructure and heritage conservation: opportunities for urban revitalization and economic development*, The world bank, urban development unit, URL: www.worldbank.org.
- Engelhardt, R (1997), Heritage for The Future: Challenge of Preserving The Historic Environment in the Rapidly Modernizing Context of Asia, *7th Seminar on the Cultural Heritage in Asian Countries: Sustainable Development and Conservation*, URL: Wwww.Tobunken.Go.Jp.
- Eversley, D (1975), Conservation for the Minority, *Built Environment*, No 3, PP 14-15.
- Fram, mark (1988), *Well preserved: the Ontario heritage foundations, manual of principles and practice for architectural conservation*, Boston Mills Press, Boston.
- Gittel, R. J (1992), *Renewing Cities*, Princeton University Press, Princeton.
- Granham, Harry, L (1985), *Maintaining the spirit of place*, PDA Publishers, Arizona.
- Hewison, Robert (1987), *The Heritage Industry: Britain in a Climate of Decline*, Methuen, London.
- Hobson, Edward (1999), *Principles for the Preservation of Historic Timber Structures*, URL: www.icomos.org.
- Hobson, Edward (1999b), *charter on the build vernacular heritage*, Mexico, URL: www.icomos.org.
- Hobson, Edward (2003), *Conservation and Planning*, Taylor & Francis Group, London.
- Ipekoglu, Basak (2006), An architectural evaluation method for conservation of traditional dwellings, *Building Environment*, Vol 41, No 3, PP 386-394.
- Jenks, M; Williams, K; Burton, E (eds) (1996), *Enviromental Capacity of a Historic City: The Chaster Experience in the Compact City: A Sustainable Urban Form?*, F & N Span, London.
- Kishan Datta, Bahatta (2011), *Urban Heritage Conservation and Sustainable Community Development: A Case Study of Historic Town*
- آیت ا... زاده شیرازی، باقر (۱۳۸۲)، حفاظت بناهای تاریخی، هفت شهر، شماره ۱۱، صص ۶-۱۳.
- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷)، تاریخ یزد، آتشکده یزدان، دانشگاه یزد، یزد.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴)، یادگارهای یزد، انجمن آثار ملی، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۰)، سبک شناسی معماری ایران، نشر پژوهنده، تهران.
- توسلی، محمود (۱۳۶۰)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- تیزدل، استیون، تتراک و تیم هیث (۱۹۹۶)، ارزیابی مجدد کیفیت محله های تاریخی شهری، مترجم: حمید خادمی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۲، صص ۶-۱۷.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۴۳)، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۳)، *از شار تا شهر*، چاپ پنجم، دانشگاه تهران، تهران.
- حناچی، پیروز؛ خادم زاده، محمد حسن؛ شایان، حمیدرضا؛ کامل نیا، ح؛ مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان با نگاه ویژه به بافت تاریخی شهر یزد، انتشارات سبحان نور، تهران.
- حناچی، پیروز؛ دیبا، داراب؛ مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۶) حفاظت و توسعه در ایران؛ تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت های باارزش شهرهای تاریخی ایران، هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۶۰-۵۱.
- رهنما، محمد رحیم (۱۳۸۸)، برنامه ریزی مناطق مرکزی شهری؛ اصول، مبانی، تئوریه، تجربیات و تکنیکها، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- سازمان مسکن و شهرسازی استان یزد (۱۳۸۲)، طرح جامع شهر یزد، مهندسین مشاور عرصه، یزد.
- صحی زاده، مهشید، ایرزدی (۱۳۸۳) حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟، آبادی، شماره ۴۵، صص ۱۲-۲۱.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۴۵)، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- کلانتری خلیل آباد، حسین؛ پورا احمد، احمد (۱۳۸۴)، مدیریت و برنامه ریزی احیاء ناحیه تاریخی شهر یزد، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص ۹۲-۷۷.
- کلانتری خلیل آباد، حسین؛ حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۵)، برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهر یزد، انتشارات فراگستر، تهران.
- گلکار، کوروش (۱۳۷۹)، طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، صص ۵۲-۴۲.
- محمد مرادی، اصغر (۱۳۸۳)، مرمت واحیای مدرسه قدسیه اصفهان، چاپ اول، سازمان عمران و بهسازی شهری، تهران.
- مستوفی باققی، محمد مفید (۱۳۳۶)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، اسدی، تهران.
- مهندسان مشاور شمس (۱۳۸۵)، گزارش ثبت شهر تاریخی یزد در فهرست آثار ملی (منتشر نشده)، سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی استان یزد، یزد.
- میرزایی، آریتا، فدایی، حمید (۱۳۸۵)، روند توسعه تدریجی شهر یزد در ادوار مختلف تاریخی، مجله باستان شناسی، شماره ۴، صص ۹۱-۱۰۱.
- Antonio, Senen Melchor Ampil (1995), *Urban Conservation and Development; Sustaining the Spirit of Place*, URL: hdl.handle.net.
- Appleyard, D (1979), *The Conservation of European Cities*, Massachusetts MIT Press, Cambridge.
- Ascherson, N (1987), *Why "Heritage" is Right-Wing*, Observer, London.
- Ashworth, G. J, Larkham, P, J (1994), A Heritage for Europe: The Need, The Task, The Contribution, In: Ashworth, G. J., Larkham, P, J, Eds, *Building a New Heritage Rootledge*, London, 1-9.
- Bjqqness, Hans Christie (1992), *A Cultural Heritage Conservation Strategy in the Context of Urban Developing: The Case of Kathmandu*,

- Shiple, R (2000), Heritage Designation and Property Values: Is There an Effect? *The International Journal of Heritage Studies*, 6(1), URL: Wwww.Fes.Uwaterloo.Ca.
- Smith, N, Williams, P (1986), *Gentrification of the City*, Allen & Unwind, Boston.
- Steinberg, Florian (1996), Conservation and Rehabilitation of Urban Heritage in Developing Countries, *Habitat International*, Vol 20, No 3, PP 463-475.
- Thaitakoo, Doosadee (2006), Toward a Way to Balance Conservation and Development in the Ayutthaya Historic Town Centers, *MANUSYA: Journal of humanities* ,No 12, PP 16-34.
- Thaitakoo, Doosadee (2006), Toward a Way to Balance Conservation and Development in the Ayutthaya Historic Town Centers, *Journal of Humanities*, No 12, PP 16-34.
- Thakur, Baleshwar; Pomeroy, George; Cusack, C., and Thakur, S Eds (2007), *City, Society, and Planning: Essays in Honour of Ashok K. Dutt*. Three volumes, Concept Publishing, New Delhi.
- Tiesdell, S, & Health, T, (1998), *Revitalizing Historic Urban Quarters*, Architectural Press, Oxford.
- Topcu, Hicran (1996), *Change with/versus conservation: architectural intervention and their effects on the character of the historic urban site of Izmit*, Department of architectur-restoration, The Middle East Technical University, Ankara.
- Vincent Heritage(2012), *What is cultural conservation?*, URL: www.vincentheritage.com.au.
- Warner, R. M; Groff, S. M; Warner, R. P; Weiss, S (1978), *Business and Preservation*, INFORM INC, New York.
- Watanabe, A (1998), Keynote address, *Seminar On The World Cultural Heritage in Asian Countries – Sustainable Development and Conservation*, URL: www.tobunken.go.jp.
- Wright, P (1985), *On Living in an Old Country; the National Past in Contemporary Britain*, Verso, London.
- Yuen, B; Hock, Ng TZE (2001), Urban Conservation in Singapore: Tradition or Tourist Bane, *Planning Practice & Research*, Vol 16, No 1, PP 39-50.
- Yusof, N; Yoke Mui, L; Lik Meng, L; Sook Fem, T (2007), Urban Conservation as a Development Strategy to Revitalize Real State Market: An Analysis of Property Transactions in Georgetown Penang, *Journal of Construction in Developing Countries*, Vol 12, No 2, PP 43-61.
- Zancheti, S. M (2005), Development Versus Urban Conservation in Recife a Problem of Governance and Public Management, *City & Time*, Vol 1,3, No 2, PP 15-27.
- “Thimi” of Kathmandu Valley, Lambert Academic Publishing, Nepal.
- Kocabas, Arzu (2006), Urban Conservation in Istanbul: Evaluation and Re Conceptualization, *Habitat International*, No 30, PP 107-126.
- Kostof, Spiro (1992), *The City Assembled, the elements of urban form through history*, Thames and Hudson, London.
- Larkham, P.J (1996), *Conservation and the City*, Macmillan, London.
- Lichfield, N (1988), *Economics in Urban Conservation*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Lih, Chan Yew (2005), *Conservation and Change, A Singapore Case of Urban Conservation and Development*, 15th ICOMOS General Assembly, URL: openarchive.icomos.org.
- Lynch, K (1984), *Good city form*, The MIT Press, Cambridge.
- Maguire, R (1998), Conservation and Divergent Philosophers, *Journal of Architectural Conservation*, Vol 3, No 1, PP 7-18.
- Manna Perumalage, R (1948), *Urban Conservation Approach to Development Planning of Local Area with Special Reference to Batticaloa Municipal Council Area*, URL: dl.lib.uom.
- Markham, J.E (1998), *The Future of Shopping: Traditional Patterns and Net Effect*, Macmillan, London.
- Martokumumo, Widjaja (2002), Urban Heritage Conservation in Indonesia, Experiences from the Inner-City of Bandung and Jakarta Kota, in P. Nas (ed), *the Indonesian Town Revisited*, pp 374-389, LIT, Singapore.
- Mcguigan, J (1996), *Culture and the Public Sphere*, Routledge, London.
- Mesarovire M, & Pestel E (1975), *Mankind at the Turning point*, Hutchinson co, London.
- Monsma, T. M (1979), *An urban strategy for Africa*, Pasadena, W. Carey Library, California.
- Mynors, C (1984), Conservation Areas: Protecting the Familiar and Cherished Local Scene, *Journal of Planning and Environmental Law*, March, PP 144-157.
- Nasser, Noha (2003), Planning for Urban Heritage Places: Reconciling Conservation, Tourism and Sustainable Development, *Journal of Planning Literature*, Vol 17, No 4, PP 467-479.
- Phengtago, P (1997), Laws and regulations to support conservation and development of Ayutthaya Historic City, *7th Seminar On The World Cultural Heritage in Asian Countries*, URL: www.tobunken.go.jp.
- Pickard, R. D (1996), *Conservation in The Built Environment*, Addison Wesley Longman, Singapore.
- Pickard, R. D (2001), *Management of Historic Centers*, Spon Press, London.
- Scribner, D (1976), *Historic Districts as an Economic Asset to the Cities*, The Real Estate Appraiser May / June, PP 7-12.